

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی 26، 1 و 2 تیموتی

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این دکتر دیو متیوسون است که تاریخ و ادبیات عهد جدید را تدریس می کند، سخنرانی 26 در مورد 1 و 2 تیموتائوس.

بسیار خوب، بیایید جلو برویم و شروع کنیم.

در دوره کلاس گذشته ما شروع به بررسی بخش پایانی نامه های پولس کردیم که به عنوان رساله های شبانی شناخته می شود، اگرچه ممکن است این بهترین برجسب برای آنها نباشد، اما برجسبی است که معمولاً مورد استفاده قرار می گیرد، بنابراین من به آن پایبند خواهم ماند، اگرچه احتمالاً راه های بهتری برای توصیف تیموتائوس و تیتوس اول و دوم وجود دارد. سه حرف پایانی که به آنها نگاه خواهیم کرد. و یکی از چیزهایی که می خواهیم در مورد آن صحبت کنیم این است که چگونه آنها در چارچوب زمانی زندگی پولس قرار می گیرند. به عنوان مثال، چگونه آنها در کتاب اعمال رسولان، به ویژه دوم تیموتائوس، که به احتمال زیاد آخرین نامه ای است که پولس درست قبل از اعدام معلق خود در دوم تیموتائوس نوشت، قرار می گیرند؟

اما ما دوره کلاس آخر را با نگاه کردن به یکی از متون اول قرنیتیان، متاسفم، اول تیموتائوس در فصل 2 به پایان رساندیم، و پرسیدیم که چگونه توانایی ما در بازسازی پیشینه تیموتائوس اول تا آنجا که چه اتفاقی در حال رخ دادن بود و برخی از عواملی که در تولید و نوشتن نامه نقش داشتند چیست، چگونه ممکن است بر نحوه خواندن یک متن به طور خاص تأثیر بگذارد. ما با نگاه کردن به اولین مورد شروع می کنیم، به نوعی در اواخر فصل 2، دستورات پولس به زنان در مورد نحوه لباس پوشیدن، که خود را با مروارید و طلا و موهایی بافته شده آراسته نکنند، و سپس فرمان او به آنها که ساکت باشند و آموزش ندهند یا بر مردان اقتدار نداشته باشند. و سوالی که ما با آن دست و پنجه نرم می کنیم یا شروع به مطرح کردن آن می کنیم این است که امروز چگونه آن را می خوانیم.

آیا آن بخش برای امروز الزام آور است یا این دستورالعمل ها فقط برای کلیسای قرن اول پولس در نظر گرفته شده است؟ و بنابراین، ما به طور خلاصه به آن نگاه خواهیم کرد. همانطور که گفتم، نه لزوماً به این دلیل که می خواهم آن مسئله را حل کنم یا به شما بگویم که در مورد آن چه فکری باید کنید، بلکه فقط برای نشان دادن هرمنوتیک نحوه برخورد با یک متن از کتاب مقدس، عواملی که باید در مورد نحوه خواندن آن برای امروز در نظر بگیریم، چگونه آن را به کار ببریم، و همچنین اینکه چگونه درک پیشینه یک متن ممکن است به ما کمک کند تا بخشی از عهد جدید را بخوانیم به روشی کمی متفاوت. بنابراین، ما به فصل 2 از اول تیموتائوس نگاه می کنیم، همچنین فصل 3، بخش مربوط به بزرگان و شماس ها، و سپس به سراغ دوم تیموتائوس و تیتوس می رویم، که به سرعت آن متون را مرور می کنیم.

و سپس می خواهم آنچه را که در مورد پولس از تعالیم او می آموزیم خلاصه کنم. به نظر می رسد رشته های غالب و مضامین الهیاتی غالب که در سراسر نامه های پولس می یابیم چیست؟

بسیار خوب، بیایید با دعا شروع کنیم. ای پدر، ما دوباره از تو برای این امتیاز و همچنین در عین حال پذیرفتن مسئولیتی که برای خواندن و مواجهه با وحی تو به ما در قالب عهد جدید داریم، سپاسگزاریم. خداوندا، من دعا می کنم که ما نه تنها به معنای متن و نحوه شنیده و درک آن در محیط قرن اول توجه داشته باشیم، بلکه با درک و درک آن، که در قرن بیست و یکم بهتر می توانیم به آن پاسخ دهیم. به نام عیسی، ما دعا می کنیم، آمین.

بسیار خوب، همانطور که گفتم، ما شروع به نگاه کردن به متن دوم تیموتائوس 2 کردیم، و به ویژه دستورات پولس به زنان که با مروارید و طلا و موهای بافته شده خودنمایی نکنند، و همچنین دستورات سکوت و اجازه آموزش یا اقتدار بر مردان را ندارند. و یک چیز، دو چیز که قبل از اینکه کمی دقیق تر به روش های خواندن این موضوع نگاه کنیم، برجسته کردیم.

اول از همه، تأکید می کنم که به احتمال زیاد دستورالعمل های پولس بیرون می آیند، آنها از یک موقعیت بسیار خاص بیرون می آیند. ما کمی در مورد مفهوم زن رومی جدید در قرن اول و حتی کمی قبل از مفهوم زن رومی جدید صحبت کردیم، که ممکن است بر نحوه عملکرد زنان در این متن خاص تأثیر گذاشته باشد. بنابراین، دستورالعمل های پولس احتمالاً فقط این نیست که او فقط بدون دلیل تصمیم گرفت این را بگوید، بلکه احتمالاً در پاسخ به مشکلی است که تعالیم نادرست و شاید این ایده زن جدید رومی اکنون در کلیسا ایجاد کرده است.

این مسئله دوم را مطرح می کند: گفتیم که فصل 2 در درجه اول به وضعیت کلیسا در حالی که برای پرستش جمع می شود می پردازد. این لزوماً به آنچه در خانه می گذرد یا آنچه در محل کار می گذرد یا آنچه در زندگی خصوصی فرد می گذرد نمی پردازد، اگرچه نه اینکه پولس به آن چیزها علاقه ای ندارد، فقط این است که وقتی فصل 2 از اول تیموتائوس را می خوانیم، باید آن را در محیط و زمینه مناسب آن قرار دهیم، و آن این است که پولس به آنچه در هنگام جمع شدن کلیسا برای عبادت می گذرد می پردازد. حال، چگونه این متن را بخوانیم؟ اساساً دو راه وجود دارد.

می توان این متن را به عنوان الزام آور جهانی خواند، یعنی این دستوراتی است که پولس به زنان کلیسا می دهد، به ویژه برای آموزش ندادن یا اقتدار بر مردان، که می تواند به عنوان الزام آور جهانی تفسیر شود. یعنی پولس فرض می کند که این دستورالعمل ها در هر زمانی برای هر کلیسایی اعمال می شود، نه فقط در کلیسای افسس که اکنون به آن می پردازد. بنابراین حتی اگر این ممکن است نتیجه یک مشکل خاص باشد، کسانی که این دیدگاه را دارند می گویند، نه، این دستورالعمل ها به طور کلی الزام آور هستند.

آنها دستوراتی هستند که پولس به هر کلیسایی می داد. او اتفاقاً آنها را به افسسیان می دهد به خاطر مسئله ای که در کلیسا وجود دارد. یکی از چیزهایی که آنها بر آن تأکید می کنند این است که در فصل 2 و 14، در واقع آیه های 13 و 14، به نظر می رسد که پولس دستورالعمل های خود را در خلقت پایه گذاری کرده است.

وقتی او می گوید، برای آدم اول و سپس حوا، به نظر می رسد که پولس دستورالعمل های خود را پس از آن در خلقت پایه گذاری می کند، این واقعیت است که ابتدا آدم و سپس حوا آفریده شد. و پیشنهاد این است که خدا نقش هایی را که فرد در فصل 2 رهبری مرد می یابد بر اساس خلقت طراحی کرده است، روشی که چیزها آفریده می شوند. بنابراین، آنها با پایه گذاری دستورالعمل های او در خلقت تأکید می کنند، این روشی است که خدا نقش های زن و مرد را آفریده است، که اکنون پولس می گوید که این باید همیشه در کلیسا رعایت شود.

و بنابراین کسانی که می بینند که تأکید بیشتر بر این دستورالعمل ها به طور کلی الزام آور است، که پولس انتظار دارد که از آنها در همه کلیساها، در همه شرایط، در قرن اول یا بیست و یکم اطاعت شود، توجه را به این واقعیت جلب می کنند که به نظر می رسد پولس دستورالعمل های خود را در خلقت، در الهیات نظم آفریده شده پایه گذاری می کند. بنابراین این یکی از راه های گرفتن آنها است. اما تغییری در آن وجود دارد.

همه کسانی که به الزام آور بودن این دستورالعمل ها اعتقاد دارند، آنها را به یک شکل الزام آور نمی دانند. رویکرد دوم این است که این دستورالعمل ها را به عنوان دستورالعمل های پولس فقط برای رسیدگی به این

مشکل خاص در کلیسای افسوس ببینیم. بنابراین، به عبارت دیگر، پولس لزوماً این دستورالعمل‌ها را به هیچ کلیسای دیگری نمی‌داد.

فقط این است که یک مشکل خاص در افسوس وجود دارد و اکنون او در تلاش است تا این مشکل را مهار کند یا آن مشکل را قطع کند. و بنابراین، این دستورالعمل‌ها فقط برای این وضعیت خاص در نظر گرفته شده است. خارج از این وضعیت، جایی که این وضعیت برقرار نیست، پولس انتظار نداشت که این دستورالعمل‌ها به طور کلی الزام آور باشند.

بنابراین، بسته به اینکه آیا فکر می‌کنید پولس بر نظم خلقت تأکید می‌کند و دستورالعمل‌های خود را در نظم خلقت پایه‌گذاری می‌کند تا این دستورالعمل‌ها را به طور کلی الزام آور ببینید، یا اینکه متن را بیشتر می‌بینید، بیشتر بر محیط خاص و مشکل و پیشینه خاصی تمرکز می‌کنید که باعث می‌شود این دستورالعمل‌ها را فقط به کلیسای قرن اول محدود کنید، نحوه خواندن متن را تعیین می‌کند. حتی مورد دوم، حتی اگر فکر کنید که پولس نیست، حتی اگر فکر کنید که این دستورالعمل‌ها فقط برای کلیسای قرن اول است و پولس فکر نمی‌کرد که آنها به طور جهانی الزام آور هستند، به این معنی نیست که هنوز به نوعی قابل اجرا نیستند. شما به سادگی متن را به روشی بسیار متفاوت از زمانی که فکر می‌کردید دستورالعمل‌ها به طور جهانی الزام آور هستند، اعمال می‌کنید.

منظورم این است که در هر صورت، این هنوز کلام خدا برای کلیسا است و هنوز باید به کار گرفته شوند. اما اینکه چگونه آنها را به کار می‌برید بستگی به این دارد که آیا فکر می‌کنید دستورالعمل‌ها الزام آور هستند و برای همیشه هستند، این یک اصل معتبر جهانی است، یا اینکه آیا دستورالعمل‌ها را عمدتاً محدود به زمینه قرن اول می‌بینید که پولس به آن پرداخته بود. اگر علاقه مند به دنبال کردن این موضوع هستید، چند بار به این سری کتاب‌ها اشاره کرده‌ام.

این مجموعه توسط شرکت انتشارات زوندروان سری Counterpoint نامیده می‌شود، همانطور که قبلاً گفتم، آنها یک سری کامل از کتاب‌ها در مورد چهار دیدگاه از این موضوع و دو دیدگاه از آن دارند. آنها کتابی در مورد دو دیدگاه از زنان در خدمت دارند که در آن شما دو نفر را دارید که استدلال می‌کنند این دستورالعمل‌ها جهانی هستند، اگرچه آنها به نتایج کمی متفاوت می‌رسند. شما دو نفر دیگر دارید که استدلال می‌کنند که آنها به طور جهانی الزام آور نیستند.

و به هر حال، این مسئله زن و مرد نیست. من مردان زیادی دارم که استدلال می‌کنند که این جهانی نیست. من تعدادی از استدلال‌های زنان را خوانده‌ام که استدلال می‌کنند این دستورالعمل‌ها الزام آور و جهانی هستند.

بنابراین، این مسئله مردانه یا زنانه نیست که در کدام طرف قرار می‌گیرید. بنابراین، اگر علاقه مند به دنبال کردن آن هستید، شما را به مجموعه انتشارات زوندروان، مجموعه کنترپوان و کتاب دو دیدگاه از زنان در خدمت هدایت می‌کنم. فصل 3، مثال دیگر، بسیار شبیه به فصل 2، نحوه خواندن فصل 2 می‌تواند به پیشینه‌ای که می‌سازیم و مشکلی که پولس به آن می‌پردازد بستگی داشته باشد.

فصل 3 از این نظر مشابه است که این به بحث ما در مورد رساله‌های شبان، به ویژه اول تیموتائوس به طور کلی، و چگونگی درک هدف کلی آن برمی‌گردد. اگر کسی اول تیموتائوس را در درجه اول به عنوان نوعی کتابچه راهنمای کلیسا ببیند، ما در مورد نمای راهنمای کلیسا یا نمای راهنمای آموزشی اول تیموتائوس صحبت کردیم، که در درجه اول اول تیموتائوس را به عنوان خطاب به تیموتائوس در مورد نحوه اداره کلیسا، نحوه سازماندهی کلیسا، کارهایی که کلیسا باید انجام دهد، می‌بیند. با این حال، من به شما پیشنهاد کردم که به احتمال زیاد این کاری نیست که پولس انجام می‌دهد، بلکه پولس به آن می‌پردازد، همانطور که

در سه یا چهار آیه اول اول تیموتائوس 1 به ما می گوید، او به وضوح به ما می گوید که به یک مشکل بسیار خاص می پردازد، و آن این است که مانند چند نامه دیگر که قبلاً نوشته است، نوعی از تعالیم نادرست یا تعالیم انحرافی اکنون به کلیسای افسس نفوذ کرده است، بنابراین او به تیموتائوس نامه می نویسد تا تیموتائوس را قادر سازد تا با آن کنار بیاید.

بنابراین، من انتظار ندارم که پولس هر آنچه را که اگر کتابچه راهنمای کلیسا می ساخت، به ما بگوید. در عوض، او فقط به تیموتائوس آموزش می دهد که چه چیزی برای حل این مشکل ضروری است، این آموزه ها و دقیقاً هر چه که باشد. و بنابراین، این چه تاثیری بر نحوه خواندن فصل سوم دارد؟ فصل سوم به انتخاب افراد کلیسا برای ایفای دو نقش مختلف، یعنی بزرگان و شماس ها اختصاص دارد.

و بنابراین، اول از همه، پولس به مسئله بزرگان می پردازد و به خوانندگانش می گوید که پیر بودن وظیفه شایسته و شریفی است، اما در اینجا شرایط وجود دارد، و او چندین صلاحیت را فهرست می کند که یک پیر باید داشته باشد تا بتواند به عنوان یک پیر در کلیسا انتخاب شود، و سپس ادامه می دهد و همین کار را برای شماسان انجام می دهد. حال، یک بار دیگر، وقتی به این متن با توجه به شرایط آن فکر می کنیم، آیا پولس سعی می کند به ما دستورالعمل هایی در مورد آنچه از بزرگان خواسته می شود و نحوه انتخاب آنها را بدهد، یا پولس بیشتر علاقه مند است که به تیموتائوس آموزش دهد که چگونه با این آموزه های نادرست مبارزه کند و با آن کنار بیاید؟ اگر دومی باشد، پس انتظار ندارم که تیموتائوس یا پولس همه چیز را در مورد اینکه بزرگان و شماسان چیست و چه کاری باید انجام دهند و چگونه آنها را انتخاب کنند، و غیره و غیره به ما بگویند. و این دقیقاً همان چیزی است که شما پیدا می کنید.

جالب اینجاست که وقتی اول تیموتائوس فصل 3 را می خوانید، چیز کمی در مورد آنچه که بزرگان و شماسان در کلیسای قرن اول انجام می دادند پیدا می کنید. شما همه چیز را در مورد شخصیت آنها و به ویژه تأکید بر توانایی آنها در تدریس پیدا می کنید. چرا اینطور است؟ خلاصه من از اول تیموتائوس 3 این است که دلیل اینکه پولس به این موضوع می پردازد این است که شاید بهترین فرصت برای کلیسا برای مبارزه با این آموزه های نادرست این است که رهبران واجد شرایط داشته باشند، به ویژه قادر به آموزش آموزه های صحیح.

این بهترین راه برای کلیسا خواهد بود تا بتواند با آموزه های نادرست مبارزه کند. بنابراین، پولس می گوید، دوباره، پولس عملاً چیزی در مورد آنچه بزرگان و شماسان انجام می دهند نمی گوید. از خود کلمات بزرگان و شماس ها، و کمی از توضیحات، این حس را به دست می آورید که وظیفه اصلی بزرگان نظارت اولیه بر کلیسا است، به ویژه آموزش، در حالی که شماس ها، بسیار کمتر واضح است.

آیا آنها گروهی زیردست زیر نظر بزرگان هستند؟ اینطور به نظر نمی رسد، اما پولس به ما نمی گوید. ایده شماس بیشتر یک خدمتکار است، اما آیا این بدان معناست که آنها فقط وظایف فیزیکی را انجام می دهند؟ من در موقعیتی کلیسای بزرگ شدم که در آن بزرگان مسئول رهبری معنوی کلیسا و شماسان برای نگهداری فیزیکی بودند. این خوب است، اما این لزوماً در اول تیموتائوس یافت نمی شود.

باز هم، این به این دلیل است که پولس در مورد کاری که شماسان و بزرگان انجام می دهند به ما نمی گوید. او فرض می کند که کلیسا می دانست که آنها چه کاری انجام داده اند. او عمدتاً نگران این است که کلیسای افسوس دارای آن دسته از بزرگان و شماسان است که به آنها اجازه می دهد در برابر این آموزه های نادرست مقاومت کنند.

بنابراین، او این شرایط را فهرست می کند زیرا این نوع رهبری به بهترین وجه می تواند در برابر آموزه های نادرستی که با آن روبرو است مقاومت کند. او در مورد نحوه انتخاب آنها به ما نمی گوید. او به ما نمی گوید

که چه تعداد از بزرگان و شماسان باید وجود داشته باشند یا اینکه آیا آنها باید به صورت چرخشی باشند و آیا باید سه سال در آنجا باشند.

همه اینها خوب است. فقط این است که، دوباره، پولس در مورد بسیاری از کارهایی که بزرگان و شماسان دقیقاً انجام می دهند و نحوه عملکرد آنها در کلیسا سکوت می کند. دوباره، اگر اول تیموتائوس را با دقت بخوانید، واضح است که بزرگان وظیفه اصلی را داشتند که احتمالاً ما امروز با یک شبان ارشد در کلیسای خود در مورد نظارت اولیه، مراقبت و مسئولیت آموزش در کلیسا مرتبط می دانیم.

اما باز هم، خارج از آن، او چیز زیادی در مورد آنچه که آنها انجام می دهند نمی گوید. بنابراین، احتمالاً امروز در فرقه های ما فضای تکان دادن وجود دارد تا آنجا که دقیقاً بزرگان و شماسان چه کاری انجام می دهند و گاهی اوقات چگونه عمل می کنند. بنابراین، آیا همه این را می بینند؟ من فکر می کنم تفاوت زیادی ایجاد می کند که چگونه می خوانیم وقتی پس زمینه را درک می کنیم، و چگونه متنی مانند آن را می خوانیم.

برخی حتی پیشنهاد کرده اند که این تعالیم انحرافی هر چه که بود، قبلاً بر برخی از رهبران کلیسا تأثیر گذاشته بود یا برخی از کسانی که این تعالیم نادرست انحرافی را تبلیغ می کردند، در واقع نفوذ کرده بودند یا به رهبران کلیسا تبدیل شده بودند و اکنون با ارائه این لیست از صلاحیت ها، این روش پولس برای از بین بردن آنها و اطمینان از اینکه آنها به رهبری نمی رسند، خواهد بود. این نیز امکان پذیر است. اما دوباره، وقتی متن را می خوانید، ما باید از آنچه پولس نمی گوید آگاه باشیم زیرا او فقط در مورد آن صحبت نمی کند، او این سوال را نمی پرسد که در اینجا بزرگان و شماسان چه می کنند و چگونه عمل می کنند و در اینجا چه کسانی باید پیر و شماس باشند و در اینجا معیارهای انتخاب آنها وجود دارد و این است که چه مدت باید خدمت کنند، و غیره و غیره

او یک سوال می پرسد، چگونه کلیسا می تواند در برابر آموزه های نادرست بایستد و اطمینان حاصل کند که رهبرانی واجد شرایط دارند که به بهترین وجه می توانند در برابر آن مقاومت کنند؟ بنابراین دوباره، در پایان، اول تیموتائوس قرار نیست کتابچه راهنمای نحوه اداره کلیسا باشد، نه اینکه ما نمی توانیم چیزی در مورد نحوه سازماندهی یا عملکرد کلیسا یا آنچه باید اتفاق بیفتد، و کلیسا چه کاری باید انجام دهد، بیاموزیم، اما پولس در درجه اول به این سوال پاسخ نمی دهد، اگرچه ما می توانیم آرزو کنیم که او این کار را انجام دهد. اما دوباره، نگرانی اصلی پولس همانطور که در کولسیان بود، همانطور که در غلاطیان بود، این است که به آموزه ای بپردازد که اکنون می بیند تهدیدی برای کلیسا است، این بار کلیسای افسس.

و حالا نامه ای به تیموتائوس می نویسد که اکنون قرار است آن را به کلیسای افسس ببرد. باز هم، تیموتائوس کسی است که پولس به احتمال زیاد برای رسیدگی به این وضعیت، این مشکل در کلیسا منصوب کرده است. اکنون پولس نامه ای می نویسد تا تیموتائوس و کلیسای افسسی را قادر سازد تا با این آموزه ای که در خطر تأثیرگذاری بر کلیسا است، مقابله کنند.

و به نظر من همه دستورالعمل ها را می توان به نوعی رسیدن به آن هدف دانست که کلیسا را قادر می سازد تا با تعالیم کنار بیاید. و تعدادی از آنها، هر یک از فصل ها شاید منعکس کننده مشکلاتی باشد که به دلیل این آموزه ای که کلیسا را تحت تأثیر قرار می دهد، به وجود آمده است. بسیار خوب، خوب.

در مورد اول تیموتائوس سوالی دارید؟ باز هم، من نمی خواستم بیش از حد در اول تیموتائوس تأخیر کنم، اما ما دوباره به چند متن با کمی جزئیات نگاه کردیم تا به شما نشان دهیم که تفسیر یک متن با توجه به زمینه گسترده تری که ممکن است بر آن تأثیر گذاشته باشد، چه چیزی مستلزم آن است. و ما دیدیم که در اول قرنطیان، اغلب توانایی شما در بازسازی آنچه که به احتمال زیاد به آن موضوع پرداخته شده است، می تواند تأثیر عمیقی بر نحوه خواندن بخش های خاصی از عهد جدید داشته باشد. بسیار خوب، بیایید به

صندوق پستی کلیسای اولیه برسیم و نامه دیگری را بیرون بیاوریم و به نامه دیگری به تیموتائوس نگاه کنیم، و این دومین نامه به تیموتائوس است.

و همانطور که گفتیم، همانطور که آن را می خوانید، چیزی که در نهایت روشن می شود این است که این آخرین نامه پولس است. پولس کاملاً روشن است که اکنون با اعدام روبرو است و مرگش بسیار نزدیک است. بنابراین، به عنوان مثال، در دوم تیموتائوس، به ویژه فصل 4 و آیه 6، او می گوید، اما برای من، من در حال حاضر به عنوان شراب یا قربانی نوشیدنی ریخته می شوم و زمان عزیمت من فرا رسیده است.

من مبارزه خوبی انجام داده ام، مسابقه را تمام کرده ام، ایمان خود را حفظ کرده ام. از این به بعد برای من تاج عدالت محفوظ است، که خداوند، قاضی عادل، به من در آن روز را، و نه تنها به من، بلکه به همه کسانی که برای ظاهر شدن خود را آرزو کرده اند. بنابراین، پل به وضوح فکر می کند که در پایان است.

و خواهیم دید که این به چه معنایی در مورد نحوه خواندن دوم تیموتائوس دارد. اول از همه، دوباره، چرا پولس نوشت؟ همانطور که خلاصه کردم، پولس اکنون به پایان عمرش نزدیک می شود. او در رم زندانی است و در شرف اعدام است.

و اساساً، کاری که او اکنون انجام می دهد، این است که می نویسد تا مشعل را منتقل کند، می توانیم بگوییم، او مشعل را به تیموتائوس منتقل کرد. او می خواهد اطمینان حاصل کند که میراث پولس و انجیل پولس ادامه دارد. این انجیل که ما در کتاب هایی مانند رومیان و غلاطیان و غیره روی آن تمرکز کرده ایم.

اکنون پولس می خواهد اطمینان حاصل کند که این امر منتقل می شود. و بنابراین، او در پی اعدام خود و مرگ قریب الوقوع خود به تیموتائوس نامه می نویسد. اکنون او به تیموتائوس نامه می نویسد تا سنت را ادامه دهد و به نوعی مشعل را به او منتقل کند.

نامه دوم تیموتائوس نیز، از برخی جهات، شبیه نوع نسبتاً رایجی از نوشتن درست قبل، در طول و کمی بعد از قرن اول است که به عنوان وصیت نامه شناخته می شود، نوعی آخرین وصیت نامه و وصیت نامه. و ما دوباره می توانید ترجمه های انگلیسی اینها را بخوانید. وصیت نامه ای در دنیای باستان نوشته ای بود که آخرین کلمات یک قهرمان در حال مرگ بود.

و کسی مشهور که عموماً در بستر مرگ بود، این دستورالعمل های جدایی آنها به شاگردان یا خانواده یا فرزندان خود برای دستورالعمل های اغلب اخلاقی و همچنین گاهی اوقات دستورالعمل های فرجام شناختی در مورد آنچه قرار بود در آینده اتفاق بیفتد، بود. تقریباً از آن نوع چیزهایی که گاهی اوقات در کتاب مکاشفه یا چیزی شبیه به آن می خوانیم. اما دوم تیموتائوس بسیار شبیه این نوع ادبیات است.

به یک معنا می توان آن را به عنوان وصیت نامه ای در نامه یا به صورت نامه درک کرد. بنابراین، این به نوعی آخرین وصیت نامه و وصیت پولس است. این آخرین کلمات یک قهرمان در حال مرگ است.

با این تفاوت که پولس در بستر مرگ نیست، او در بلوک اعدام است یا به دلیل شهادت او برای عیسی مسیح جان او در شرف گرفته شدن است. اما دوباره، کلید آن آیاتی است که من به تازگی از فصل 4 آیه 6 خواندم. باز هم، در مورد من، من در حال حاضر به عنوان یک شراب ریخته می شوم و زمان عزیمت من فرا رسیده است. بنابراین، نوشته های وصیت نامه به وضوح خروج و مرگ قهرمان را پیش بینی می کردند.

اما پس از آن دوباره فراق و دستورالعمل نهایی را به کسانی که در اطراف جمع شده بودند منتقل می کرد. در این مورد، این تیموتائوس است که دستورالعمل نهایی و جدایی پولس را دریافت می کند. بنابراین، دوم تیموتائوس را می توان به عنوان آخرین وصیت نامه پولس در نظر گرفت.

سخنان جدایی یک قهرمان در حال مرگ. اگر در آن زمان، با توجه به آن موقعیت و پیشینه و هدف، اگر بخواهم موضوعی را برای دوم تیموتائوس انتخاب کنم، این بود که پولس به تیموتائوس دستور می دهد که برای ایمان مبارزه کند. ایمان، انجیلی که او اکنون به تیموتائوس منتقل می کند، مشعل که اکنون به آن منتقل می کند، او تیموتائوس را فرا می خواند تا برای آن مبارزه کند و برای آن بجنگد.

و از استعاره های مختلفی در انجیل استفاده می کند تا تیموتائوس را وادار کند که آن انجیل را هم در زندگی و هم در تعلیم خود حفظ کند، زیرا پولس در شرف خروج از صحنه است. و این تمام چیزی است که می خواهم در مورد دوم تیموتائوس بگویم. باز هم، فقط برای اینکه طعم و مزه ای از چرایی نوشته شدن و آنچه در حال وقوع است به شما بدهم.

آخرین مورد چطور؟ کتاب تیتوس، کوتاه ترین کتاب از این سه کتاب است. باز هم، نامه های پولس عمدتاً به ترتیب طول مرتب شده اند. بنابراین، تیتوس آخرین نامه ای نیست که نوشته شده است.

و فیلیمون مطمئناً اینطور نبود. اما به دلیل طول آنها، در انتهای مجموعه نامه های پولس رخ می دهند. اما تیتوس کتاب جالبی است.

و وقتی تیتوس را می خوانید، اولین چیزی که متوجه می شوید بسیاری از شباهت ها با اول تیموتائوس است. به همین دلیل است که من فقط می خواهم به سرعت از تیتوس عبور کنم. اما چند چیز متمایز در مورد کتاب وجود دارد که می خواهم در مورد تیتوس روی آنها تمرکز کنم.

بنابراین، اول از همه، نقش تیتوس چیست؟ باز هم، مانند اول و دوم تیموتائوس، کتاب تیتوس نه به نام کلیسا، بلکه به نام فردی که برای او نوشته شده است، نامگذاری شده است. این رساله های شبانی بسیار جالب هستند زیرا ممکن است استراتژی متفاوتی از سوی پولس را منعکس کنند. به یاد داشته باشید، بیشتر کتاب های دیگری که دیدیم، در مقدمه رساله خطاب به کلیساهای خاص، یک کلیسای خاص یا کلیساهای بودند، به جز شاید افسسیان که احتمالاً خطاب به مسیحیان و کلیساهای عموم در آسیای صغیر و امپراتوری یونان-روم است.

ولی بیشتر نامه های پولس خطاب به کلیساهای نام است. اما جالب است که پولس در اول و دوم تیموتائوس و تیتوس کلیسای خاصی را مخاطب قرار نمی دهد، بلکه شخصی را خطاب قرار می دهد، تیموتائوس یا تیتوس، که مسئول آن کلیسا و مسئول انتقال آن اطلاعات به کلیسا است. استثنای دیگر به وضوح فیلیمون بود، اما پولس بیشتر به یک مشکل نسبتاً خاص بین رابطه فیلیمون و اونیسیموس علاقه مند است، اگرچه قرار بود توسط کلیسای گسترده تر شنیده شود.

اما به نظر می رسد که پل در اینجا استراتژی متفاوتی را دنبال می کند. او به جای اینکه مستقیماً کلیسا را مخاطب قرار دهد، اکنون شخص خاصی را که بر آن کلیسا منصوب کرده است، خطاب قرار می دهد و سپس آن شخص مسئول انتقال دستورالعمل ها و محتوا به کلیسا است. و همین امر در مورد تیتوس نیز صدق می کند.

پس از آن، تیتوس، بسیار شبیه به تیموتائوس، احتمالاً توسط پولس در کلیسای کورت رها شد تا با وضعیت بسیار مشابهی کنار بیاید. یعنی، ماهیت تعالیم نادرست یا انحرافی که پولس در اول تیموتائوس به آن اشاره

می کرد، هر چه باشد، ممکن است چیزی مشابه در تیتوس اتفاق افتاده باشد. اما دوباره، وقتی تیتوس را می خوانید، واضح است که پولس به یک مشکل یا مسئله ای می پردازد که کلیسا با آن روبرو است، و اکنون تیتوس را آنجا رها کرده است تا با آن مقابله کند، و اکنون او یک دستورالعمل می نویسد که تیتوس چگونه باید با این مشکل تعلیم نادرست که در کلیسا نفوذ کرده است کنار بیاید، که در جزیره کرت است.

اکنون همه می دانند کرت کجاست. بگذارید فقط برای یک لحظه در اینجا به جلو بپریم. شما این نقشه را دوباره دیده اید. این جزیره کرت است، درست اینجا.

و دوباره، در یکی از آخرین سفرهای او به روم که اعمال رسولان 28 را به پایان می رساند، می بینید که پولس از جزیره کرت بازدید کرد، اما این کرت است که کلیسای در آن تأسیس شده بود، و اکنون پولس تیتوس را به جزیره کرت فرستاده است تا با این وضعیت کنار بیاید. دوباره، برخی از آموزه های نادرست کلیسا را آلوده می کند، و اکنون پولس به تیتوس نامه می نویسد تا به او کمک کند تا با آن کنار بیاید. نکته دیگر نیز این است که به احتمال زیاد می خواستم در مورد دوم تیموتائوس چیز بیشتری در این مورد بگویم، اما به احتمال زیاد، حداقل 1 و 2 تیموتائوس و شاید تیتوس احتمالاً مدتی پس از وقایع اعمال رسولان 28 نوشته شده اند.

اعمال رسولان فصل 28 با پولس در روم به پایان می رسد و چیز دیگری نمی گوید و احتمالاً این استراتژی ادبی لوقا بوده است. به یاد داشته باشید، لوقا سعی داشت نشان دهد که چگونه انجیل در تحقق وعده اشعیا برای احیا و گسترش انجیل و قوم خدا به سرزمین های کمتر و کوچکتر یهودی آغاز شد. در اعمال رسولان فصل 1، آیه 8، لوقا تصور کرد که انجیل در نهایت با تحقق اشعیا، در نهایت به اقصی نقاط زمین خواهد رسید.

بنابراین، در اعمال رسولان فصل 28، هنگامی که انجیل به روم رسید، لوقا روایت خود را به پایان می رساند. اما به احتمال زیاد، زندانی که پولس در دوم تیموتائوس متحمل می شود، حبس که منجر به مرگ او می شود، با حبس دیگری که در اعمال رسولان فصل 28 می خوانیم، متفاوت است. باز هم، این بر اساس کتاب اعمال رسولان است.

بنابراین، اعمال رسولان با این سفر به پایان می رسد، با این خط قرمز، که پولس به روم می رسد، و اینجاست که به پایان می رسد. اما به احتمال زیاد، پولس مدتی پس از وقایع اعمال رسولان فصل 28 از زندان آزاد می شد و در فعالیت دیگری شرکت می کرد. احتمالاً پس از آن، او اول تیموتائوس و تیتوس را می نوشت و سپس برای آخرین بار دوباره به زندان می افتاد و سپس کتاب دوم تیموتائوس را می نوشت.

اکنون، پیشنهادات دیگری در مورد چگونگی تناسب 1 و 2 تیموتائوس و تیتوس در اعمال رسولان وجود دارد، اما این یکی از پذیرفته شده ترین پیشنهادات است، حداقل برای محققان مسیحی و دانشجویان عهد جدید. بنابراین جزیره کرت در آنجا قرار دارد. نامه ای خرابکارانه.

جالب اینجاست که یکی از چیزهای جالب در مورد تیتوس این است که گاهی اوقات به نظر می رسد تعدادی از ایده ها، باورها، سنت ها یا بخشی از شهرت جزیره کرت را زیر پا می گذارد. به عنوان مثال، جزیره کرت در واقع ضرب المثل شد، تقریباً ضرب المثل و معروف به بی اخلاقی و نوعی زندگی سریع و آزاد. برخی آن را به عنوان یک عصر مدرن یا یک لاس وگاس قرن اول یا چیزی شبیه به آن توصیف کرده اند.

آنجا جایی بود که مردم به طور وحشیانه زندگی می کردند و هر کاری انجام می دادند. کرت نیز بود، بسیاری از ادبیات ما داریم، به نظر می رسد کرت مترادف با کسی است که دروغ می گوید و دروغ می گوید. جالب اینجاست که کرت یکی از افسانه ها بود، یا طبق سنت، زادگاه و محل دفن خدای زئوس بود.

شما تعجب می کنید که چرا آنها سنتی دارند که در آن خدای زئوس در کرت دفن شده است. اما کرت به گفتن حقیقت معروف نبود. در واقع، عبارتی که اغلب در تفاسیر نقل قول می کنید این است که همه کرت ها دروغگو هستند.

این عبارتی بود که برخی از آن برای خلاصه کردن آنچه کرت به آن معروف بود استفاده کرده اند. بنابراین، جالب اینجاست که به آنچه در تیتوس می خوانیم توجه کنید. توجه کنید که تیتوس چگونه نامه خود را باز می کند.

او می گوید، حالا، پولس این را در جای دیگری نگفته است، بنابراین شما تعجب می کنید که آیا شاید پولس بر آن به عنوان تضاد مستقیم و تقلید مسخره آمیز با کرت تأکید می کند. کرت به دروغ گفتن معروف است، و اکنون پل می گوید، پس منظورم این است. شما نمونه های دیگری از آن را در سراسر تیتوس می یابید، جایی که پولس ظاهراً ارزش های فرهنگی معمولی یا چیزهای سبک زندگی را که کرت در دوران باستان به آن معروف بود، زیر پا می گذارد.

یا یکی دیگر در فصل 2. پولس در فصل 2: 11 تا 14 در مورد تیتوس می گوید، بنابراین، دوباره، شما تعجب می کنید که آیا برخی از این زبان به معنای خرابکاری از نوع سبک زندگی نیست که کسانی که در کرت زندگی می کردند. و در عوض، پل چیزی خرابکارانه تر و سبک زندگی را پیشنهاد می کند که در مقایسه با آنچه در فرهنگ کرت معمول بود، رادیکال است. بنابراین، نمونه های دیگری از آن در سراسر تیتوس وجود دارد، جایی که پولس ممکن است دوباره یک نوع نامه خرابکارانه بنویسد، ارزش های معمولی کرت یا اساطیر کرت یا آموزه های کرت و انتخاب سبک زندگی و چیزهایی از این قبیل را زیر پا بگذارد و تضعیف کند.

پس هدف چیست؟ پس به طور کلی هدف تیتوس چیست؟ به نظر می رسد که پولس دوباره تیتوس را می نویسد تا به تیتوس دستور دهد. باز هم، تیتوس فرد است. درست همانطور که او تیموتائوس را در افسس ترک کرد، اکنون تیتوس را در کرت ترک کرد تا با آموزه ای که در کلیسا نفوذ کرده بود مقابله کند.

پولس به تیتوس در مورد زندگی کلیسا در دنیای بت پرستانه آموزش می دهد. و او براندازی می کند، نامه ای می نویسد تا فرهنگ بت پرستی را با ایجاد اعتماد به خدایی که هرگز دروغ نمی گوید، براندازی کند. و با تشویق آنها به زندگی با فضیلت واقعی.

بنابراین، او می نویسد، که او به تیتوس آموزش می دهد که چگونه کلیسا باید زندگی خود را در چارچوب یک محیط بت پرست بگذراند. و او این کار را با هدایت توجه آنها به خدایی که دروغ نمی گوید یا ایجاد ایمان آنها به آن انجام می دهد. و در دنبال کردن سبک زندگی فضیلت واقعی به عنوان جایگزینی برای نوع سبک زندگی که فرهنگ کرت آموزش می داد.

خوب. و این، دوباره، چیزهای بیشتری وجود دارد که می توانیم از طریق جزئیات بگوییم. اما تیتوس یکی از آن کتاب هایی است که ما می خواهیم به سرعت از آن عبور کنیم.

و وقتی به عبرانیان می رسیم، در مورد کتاب عبرانیان کمی کند می شویم. اما من می خواهم بحث خود را در مورد نامه های پولس به یک معنا با ترکیب آنها با هم به پایان برسانم. و بپرسید، اگر بخواهید با ضربات قلم موی بسیار گسترده نقاشی کنید، مضامین غالب که از تمام نامه های پولس بر آنها تأکید می کنید چه خواهد بود؟ برخی از چیزهایی که بارها و بارها دیده ایم چیست؟ یا برخی از موضوعات غالب که نقش مهمی در تفکر و آموزش پولس داشته اند چیست؟ و اینها پیشنهادات من هستند.

و دوباره، ممکن است به موارد دیگری فکر کنید. من فکر می‌کنم یکی از آنها خود را مدیون دانش آموزی در گذشته است که این را پیشنهاد کرده است. یاد نمی‌آید کدام یک از بالای سرم است.

اما به هر حال، بنابراین من برای گسترش این موضوع آماده هستم. اما همانطور که به نامه‌ها نگاه می‌کنم و آنها را کنار هم قرار می‌دهم، چیزهایی که می‌بینم بارها و بارها اتفاق می‌افتد، به نوعی مانند نخ‌در نامه‌های او می‌گذرد یا نقشی حیاتی ایفا می‌کند، اول از همه، پولس بارها و بارها تأکید می‌کند که عادل شمردگی یا نجات از طریق فیض از طریق ایمان است، جدا از اعمال شریعت، و این که آثار، با این حال، آثار هنوز هم یک نتیجه ضروری از زندگی دگرگون شده توسط روح القدس هستند. بنابراین، این بدان معنا نیست که آثار اختیاری هستند یا اصلاً نقشی ندارند یا نقشی فرعی یا ثانویه ایفا نمی‌کنند.

فقط این است که پولس به وضوح استدلال می‌کند که عادل شمردگی، نجات فرد، ایستادن در برابر خدا، با اعمال شریعت یا هر کار دیگری به دست نمی‌آید، بلکه با ایمان به عیسی مسیح به دست می‌آید، بلکه به ناچار و به عنوان نتیجه‌ای که کارهای خوب با آن همراه هستند، که پولس روشن می‌کند که نتیجه عهد جدید روح القدس است که زندگی قوم خدا را دگرگون می‌کند. موضوع غالب دیگر این است که پولس چندین بار تأکید می‌کند که هم یهودی و هم غیریهودی اکنون می‌توانند به طور مساوی قوم خدا شوند و می‌توانند این کار را بدون هیچ ارتباطی با شریعت موسی انجام دهند. به عبارت دیگر، شریعت موسی هیچ نقشی در تعیین اینکه چه کسی به قوم خدا تعلق دارد ندارد.

و علاوه بر این، وعده‌های ابراهیم اکنون متعلق به همه کسانی است که به عیسی مسیح ایمان دارند. بنابراین، به یاد داشته باشید، این دو چیز با هم پیش می‌روند. در قرن اول، بیشتر یهودیان به این سؤالات پاسخ می‌دادند.

اول از همه، تعلق به قوم خدا به چه معناست؟ این به معنای زندگی به عنوان یک یهودی است. این به معنای تسلیم شدن در برابر شریعت موسی و زندگی تحت شریعت موسی است. برای مردان، این به معنای ختنه شدن بود.

برای همه، این به معنای رعایت سبت، رعایت قوانین غذا، چیزهایی بود که به وضوح فرد را به عنوان قوم خدا از غیریهودیان مشخص می‌کرد. بنابراین اساساً، آنها به این سوال پاسخ دادند که قوم خدا بودن به چه معناست؟ آنها به این سوال در سطح ملی یا قومی با اتخاذ شیوه زندگی یهودی پاسخ دادند. نتیجه این بود که بتوان فرد را ردیابی کرد... به عبارت دیگر، نقطه شروع ابراهیم بود.

قوم واقعی ابراهیم چه کسانی هستند؟ در پیدایش فصل 12 به یاد بیاورید، جایی که خدا به ابراهیم وعده داد که ملتی بزرگ خواهد داشت و خدا او را برکت خواهد داد و در نهایت تمام ملت‌های زمین برکت خواهند یافت. پس چگونه می‌توان در آن برکت شرکت کرد؟ چگونه می‌توان در وعده‌هایی که به ابراهیم داده شد شرکت کرد؟ از نظر جسمی فرزندان ابراهیم. بنابراین به همین دلیل است که پولس زمان زیادی را با ابراهیم می‌گذراند زیرا برکت نجات و عادل شمردگی و عهد جدید به آنجا گره خورده است.

آنها به فرزندان ابراهیم گره خورده‌اند، اما سوال این است که فرزندان واقعی ابراهیم چه کسانی هستند؟ پولس روشن می‌کند که این کسانی نیستند که از نظر جسمی و قومی به ابراهیم تعلق دارند، بلکه کسانی که به عیسی مسیح ایمان دارند، اکنون فرزندان واقعی ابراهیم هستند. بنابراین، اگر این درست باشد، پس یهودیان و غیریهودیان به طور مساوی به قوم واقعی خدا تعلق دارند. آنها به همان اندازه وعده‌های نجات را دارند.

آنها به همان اندازه عادل شمرده شده اند و به همان اندازه به عنوان قوم واقعی خدا در برابر خدا می ایستند و صرفاً بر اساس ایمان به عیسی مسیح است. ما دیدیم که پولس این کار را انجام می دهد، پولس استدلال می کند که عیسی مسیح ذریت واقعی ابراهیم است. عیسی مسیح وعده واقعی و فرزند ابراهیم است.

و اگر این درست باشد، پس عامل تعیین کننده تعلق به قوم خدا دیگر هویت قومی یا وابسته به اطاعت از قانون موسی نیست. اکنون با ایمان به عیسی مسیح گره خورده است، به همین دلیل است که یهودیان و غیریهودیان... اگر ایمان به عیسی تنها معیار است، پس می توان فهمید که چرا یهودیان و غیریهودیان به طور مساوی می توانند در برکات نجات که از طریق ابراهیم می آید شرکت کنند. یکی دیگر از مواردی که متوجه شدم، اگرچه به ندرت بر آن تأکید می شود، این است که فیض و قدرت خدا از طریق رنج آشکار می شود و قوم خدا به رنج فراخوانده می شوند.

توجه کنید، به خصوص در کتابی مانند دوم قرنیتان، اما توجه کنید که پولس چند بار بر رنج به عنوان نشان رسالت خود تأکید می کند. حتی در میان کسانی که به موقعیت اجتماعی و شکوفایی لفاظی خود در سخنرانی خود اشاره می کنند، پولس به طور مداوم به رنج خود به عنوان نشانه ای از رسالت خود متوسل می شود. و بسیار فصیح در دوم قرنیتان، در واقع بر موضوعی تأکید می کند که از عهد عتیق شروع می شود، و آن این است که قدرت و فیض خدا به ویژه در میان رنج انسان و از طریق آن آشکار می شود.

یکی دیگر، قوم خدا از طریق متحد شدن با عیسی مسیح در مرگ و رستخیز او، بر گناه و مرگ غلبه کرده اند. اگرچه گناه هنوز یک واقعیت کنونی است که باید دائماً با آن برخورد کرد. بنابراین، این نشان دهنده آن است که در حال حاضر اما نه هنوز، تنش نشان دهنده و ضروری است که ما در سراسر نامه های پولس دیده ایم.

یعنی پولس کاملاً متقاعد شده است و می تواند اظهارات مطلقى مانند اینکه شما برای گناه مرده اید و قبلاً به تازگی زندگی شده اید، بیان کند. پس چگونه می توانید دیگر در گناه زندگی کنید؟ او می تواند اظهارات مطلقى مانند آن را بیان کند، اما سپس برمی گردد و خود را واجد شرایط می کند و می گوید، اما شما هنوز باید گناه را بکشید. گناه هنوز واقعی است که قوم خدا با آن دست و پنجه نرم می کنند.

این بخشی از این است که در حال حاضر اما هنوز تنش نیست. اینکه پولس متقاعد شده است که ما قبلاً بر گناه غلبه کرده ایم. قبلاً با گناه برخورد شده است.

ما قبلاً از قدرت و حوزه ای که گناه و مرگ آن را کنترل و تحت سلطه خود قرار داده است، رها شده ایم. ما از طریق آن با متحد شدن با مرگ و رستخیز مسیح آزاد شده ایم. این در حال حاضر است.

با این حال، واقعیت این است که انتقال هنوز به طور کامل و کامل اتفاق نیفتاده است. این هنوز نیست. بنابراین، پولس هنوز باید فرمان بدهد.

گناه را بکشان. اجازه ندهید گناه در بدنهای انسانی شما حکومت کند. زنده.

خود را به عنوان زنده به خدا معرفی کنید. این جنبه ای است که هنوز نمانده است که باید از طریق دستورات و دستوراتی که پولس می دهد تحقق یابد. اما مهم است که بدانید بخش اول انگیزه و همچنین توانمندسازی بخش دوم را فراهم می کند.

به این معنا که تنها دلیلی که می توان بر گناه غلبه کرد و با آن کنار بیاید، هم انگیزه دارد و هم توسط گناه اول امکان پذیر و حتی ممکن شده است. تنها راهی که می توانیم بر گناه غلبه کنیم این است که پولس

متقاعد شده است که ما قبلا با اتحاد با مسیح برای گناه مرده ایم. تنها راهی که او می تواند به ما دستور دهد که خودمان را زنده تقدیم کنیم، خودمان را به عنوان زنده به خدا تقدیم کنیم، این است که ما قبلا در رستخیز مسیح با او متحد شده ایم.

بنابراین، این نشانه نه تنها به عنوان یک انگیزه ضروری است، بلکه همان توانمندی برای تحقق امر در اندیشه پولس است. پس ما قبلا برای مسیح مرده ایم. ما قبلا بوده ایم، اسلایدهایی را که با دایره ها داشتیم به یاد داشته باشید، ما قبلا از قلمرو و کره ای که تحت کنترل و تسلط گناه و مرگ است، رها شده ایم.

و ما به قلمرو جدیدی منتقل شده ایم که توسط عدالت و زندگی و روح القدس خدا کنترل و تحت سلطه آن قرار گرفته است. با این حال، این انتقال به یک معنا هنوز نهایی و کامل نیست. و این بخشی است که هنوز ضروری می شود.

در نهایت، درک و زندگی شکل گرفته توسط مسیح و انجیل بهترین راه برای مبارزه با خطا و آموزه های نادرست است. و من می خواهم که شما به هر دوی اینها توجه کنید. این فقط یک روشنفکر نیست.

وقتی به مبارزه با معلمان دروغین فکر می کنیم، معمولا از نظر فکری فکر می کنیم که آنها چیزی را اشتباه باور دارند. اما پولس همچنین به سبک زندگی حاصل و متناظر که ممکن است این باور نادرست ایجاد کند علاقه مند بود. به عنوان مثال، بارها و بارها، وقتی پولس به کولسیان آموزش می دهد که چگونه با آموزه های دروغینی که با آنها روبرو است، این نوع عرفانی از یهودیت، برخورد کنند، او فقط به دنبال اعتقاد نادرست آنها نمی رود.

او همچنین به دنبال سبک زندگی یا فریب اساسا فریبنده ای است که باعث ایجاد نوع سبک زندگی آنها می شود. بنابراین، این هم یک اعتقاد و درک صحیح از انجیل است، اما پیامدهای اخلاقی انجیل نیز که کلیسا را به بهترین وجه قادر می سازد تا با خطا و تعالیم نادرست مبارزه کند. فکر می کنم اگر بخواهم اضافه کنم، فکر می کنم این آخرین مورد من قبل از ورود به عبرانیان است.

فکر می کنم اگر بخواهم یکی دیگر را اضافه کنم، حدس می زنم که آخرین موردی که اضافه می کنم نگرانی پولس برای جامعه است، یعنی کلیسا، یا راه دیگری برای گفتن اینکه برای پولس است، نجات پیامدهای جمعی و فردی دارد. به این معنا که پولس روشن است که عادل شمرده می شود که منجر به تعلق به جامعه جدیدی می شود که فراتر از تمایزات اجتماعی است و در واقع نشان می دهد که برنامه خدا برای آشتی دادن کل جهان در حال حاضر در حال انجام است. بنابراین کلیسا به نوعی یک تابلو است.

کلیسا به نوعی قسمت اول است. کلیسا عامل آشتی همه چیزهایی است که خدا روزی از طریق عیسی مسیح به اجرا خواهد گذاشت. بنابراین، پولس نگران وحدت و جامعه کلیسا، مردم است.

پولس چیزی به نام یک مسیحی که یک فرد است، فقط یک مسیحی به تنهایی نمی داند. آنها به ناچار به بدن مسیح، به یک جامعه تعلق دارند. و بنابراین، جالب است که وقتی شروع به خواندن نامه های پولس می کنید، چیزی که او را بسیار ناراحت می کند هر چیزی است که وحدت کلیسا را تهدید می کند.

بنابراین این احتمالا آخرین موردی است که فکر می کنم به آن اضافه کنم، این است که نجات فقط فردی نیست، بلکه ابعاد جمعی نیز دارد. و پولس اساسا نگران وحدت این بدن، کلیسا، به عنوان یک جامعه است. چیزهای زیادی وجود دارد که می توانیم در مورد آن بگوییم، اما فکر می کنم فقط خواندن گذرا نامه های پولس این موضوع را بسیار روشن می کند.

آیا کسی به چیز دیگری فکر می کند که به این لیست اضافه کنید؟

این دکتر دیو متیوسون است که تاریخ و ادبیات عهد جدید را تدریس می کند، سخنرانی 26 در مورد 1 و 2 تیموتائوس.